شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال شانزدهم
۲۴ آذر ۱۴۰۳
۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
شماره ۴۳۸۴

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
● مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
● سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
● نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
● دفتر مرکزی: ۵-۱ ۸۸۸۸ ۳۷۲-۰۵۱
● نمابر: ۳۸۴۹۰۳۸۴-۰۵۱
● روابط عمومی: ۳۸۴۸۳۷۵۲-۰۵۱
● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۵۶٪	۱۳° ↑	-۴° ↓	
صبح ۴	ظهر ۱۲		
عصر ۹	شب ۴		

اوقات شرعی مشهد

● اذان ظهر ۱۱:۲۶:۲۵ ● نیمه شب شرعی ۲۲:۴۱:۰۵
● غروب آفتاب ۱۶:۱۷:۳۵ ● اذان صبح فردا ۰۵:۰۵:۱۳
● اذان مغرب ۱۶:۳۸:۰۲ ● طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۵:۵۴

امام علی (ع):
خداوندا! به تو پناه می‌برم از اینکه ظاهرم در نگاه مردم نیکو باشد و باطنم که بر تو آشکار است زشت، و خود را ریاکارانه نزد مردم بیارایم به چیزی که تو بهتر از من بدان دانایی، پس ظاهر نکویم را برای مردم آشکار دارم و بدی کردارم را نزد تو آورم و بدین‌سان به بندگان تو نزدیک شوم و از خشنودی تو به دور مانم.

نهج‌البلاغه: الحکمة ۲۷۶

کارتون شهر

رضا جنگی — **بدون شرح...**

چکامه

اهلِ نظر معامله با آشنا کنند

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
آیا بُود که گوشهٔ چشمی به ما کنند
دَردَم نهفته بِه ز طبیبانِ مدعی
باشد که از خزانهٔ غیبم دوا کنند
معشوق چون نقاب ز رخ درنمی‌کشد
هرکس حکایتی به تَصوّر چرا کنند؟
چون حُسنِ عاقبت نه به رندی و زاهدیست
آن بِه که کارِ خود به عنایت رها کنند
بی معرفت مباش که در من یزیدِ عشق
اهلِ نظر معامله با آشنا کنند
حالی درونِ پرده بسی فتنه می‌رود
تا آن زمان که پرده برافتد چه‌ها کنند
گر سنگ از این حدیث بنالد عجب مدار
صاحبدلان حکایتِ دل خوش ادا کنند
مِی خور که صدگناه ز اغیار در حجاب
بهتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند
پیراهنی که آید از او بوی یوسفم
ترسم برادران غَیورش قَبا کنند
بگذر به‌کوی میکده تا زُمرهٔ حضور
اوقاتِ خود ز بهر تو صرفِ دعا کنند
پنهان ز حاسدان به خودم خوان که مُنعِمان
خیرِ نهان برایِ رضایِ خدا کنند
حافظ دوامِ وصل میسر نمی‌شود
شاهان کم التفات به حالِ گدا کنند

حافظ

اول شخص

مرد حدیث و حادثه

یادی از شیخ مهدی واعظ خراسانی، مشهور به محدث کبیر، از روحانیان تأثیرگذار در واقعه گوهرشاد و مدفون در حرم‌مطهر رضوی هم‌زمان با سالروز درگذشتش

آزاده چشمه‌سنگی — نویسنده

آرامش پیش از طوفان

حافظه‌اش عین ساعت کار می‌کرد. از شوق بسیار آموختن بود یا یک خصیصه موروثی، هیچ معلوم نیست، اما حفظ بیش از سه هزار حدیث کار ساده‌ای نبود. احادیثی که سال‌های زیادی از جوانی‌اش را صرف آموختن و تفسیر آن کرده بود و وقتی پایش به منبر وعظ و خطابه باز شد، بی‌منت در اختیار مستمعین مشتاق قرار داد. با این حال، هرگز بی‌مطالعه بالای منبر نمی‌رفت. دستخط‌های قدیمی‌اش، حکم میراث گران‌بهایی را داشت که تنها اهالی علم و علوم دینی به ارزش آن واقف بودند. او فرزند ملا احمد واعظ بود و نسل‌اندرنسل همگی از جرگه روحانیت بودند. حاج مهدی واعظ خراسانی، فرزند خراسان بود. زیر سایه امام هشتم (ع) نخستین بار خطوط قرآنی را دست‌وپا شکسته ادا کرد و توی همین شهر، از یک جوان طلبه به یک واعظ خوش‌نام تبدیل شد. بهار و تابستان می‌نشست روی منبر ایوان رواق دارالسیاده حرم مطهر، پاییز و زمستان عبا به سر می‌کشید می‌رفت داخل شبستان‌های مسجد گوهرشاد و هر بار در حلقه مشتاقان، درس اخلاق و حدیث و تفسیر قرآن می‌داد. جلساتی که گاه تا سه ساعت طول می‌کشید، اما کسی چشم از شیخ برنمی‌داشت. شیرین می‌گفت و پیر و جوان را ساعت‌ها پای منبرش مشغول به خود می‌کرد. آوازه‌اش تا بیرون شهر پیچیده بود. از مشهد می‌رفت سبزوار، می‌رفت نیشابور، می‌رفت یزد و اصفهان و تهران و کرمانشاه. همه چیز روبه‌راه بود تا اینکه رضا شاه از سفر ترکیه به ایران برگشت.

توفان در صحن گوهرشاد

۲۸ خرداد سال ۱۳۱۴ بود که به تمام استانداری‌های کشور بخشنامه شد بعد از این مردان ملزم به یک پوشش همگانی و استفاده از کلاه پهلوی هستند. این به گمان شاه نخستین گام در مسیر تجدد بود. هنوز مردم در بهت فرمان حکومتی بودند که زمزمه کشف حجاب اجباری توی کوچه‌پس‌کوچه‌ها پیچید. هنوز چماق آژان‌ها بالا نرفته بود که مردم ریختند توی میدان. مشهدی‌ها جلوتر توی مسجد گوهرشاد تحصن کردند و جماعت روحانیت به پشتوانه مردم از بالای منابر به میانه جمع آمدند. مأموران بی‌هیچ ابایی به داخل صحن ریختند. مردم را به خاک و خون کشیدند، درودیوار مسجد را به گلوله بستند و رفتند. روز بعد در حالی که کارد به استخوان وعاظ رسیده بود، یکی یکی به نوبت بالای منبر رفتند. مسجد همچنان لبالب از مردم خشمگینی بود که با هیچ گلوله‌ای خیال عقب‌نشینی نداشتند. اول حاج شیخ مرتضی عیدگاهی رفت بالای منبر و کمی بعد حاج مهدی واعظ خراسانی. حرف همه یکی بود. مردم باید هوشیار و جسور برابر ظلم حکومت مقاومت می‌کردند. این قبایی که شاه به پیکر مردم بریده بود، به تن هیچ زن و مرد ایرانی نمی‌نشست. زمزمه نفوذ فرهنگ غرب و استعمار بود و این دست سخنرانی‌ها، وحدت مردم را مستحکم‌تر می‌کرد. شیخ مهدی واعظ که تا پیش از این یک روحانی ساده بی‌حاشیه بود، حالا به سبب تحولات اجتماعی، تبدیل به یک چهره سیاسی اثرگذار شده بود. باکی از دستگیری و تبعید و شکنجه نداشت. آمده بود تا به رسالت خود عمل کند. این مابین، رضاشاه با مشاهده ایستادگی و جسارت آشکار در مشهد، فرمان داده بود خیلی زود این معرکه را جمع کنند. روحانیان را دستگیر و مردم را سرکوب کنند. بیستم و بیست‌ویکم تیرماه بود که نظامیان ریختند توی مسجد گوهرشاد و عده بیشتری را قتل عام کردند. یکی دو روز بعد نوبت به دستگیری علما رسیده بود. صد نفری از وعاظ و شخصیت‌های برجسته مشهدی را دستگیر کردند، اما نوبت به شیخ مهدی واعظ که رسید، با یاری اهل خانه و همسایه‌ها موفق به فرار شبانه شد. این آغاز چهار سال زندگی مخفیانه او بود.

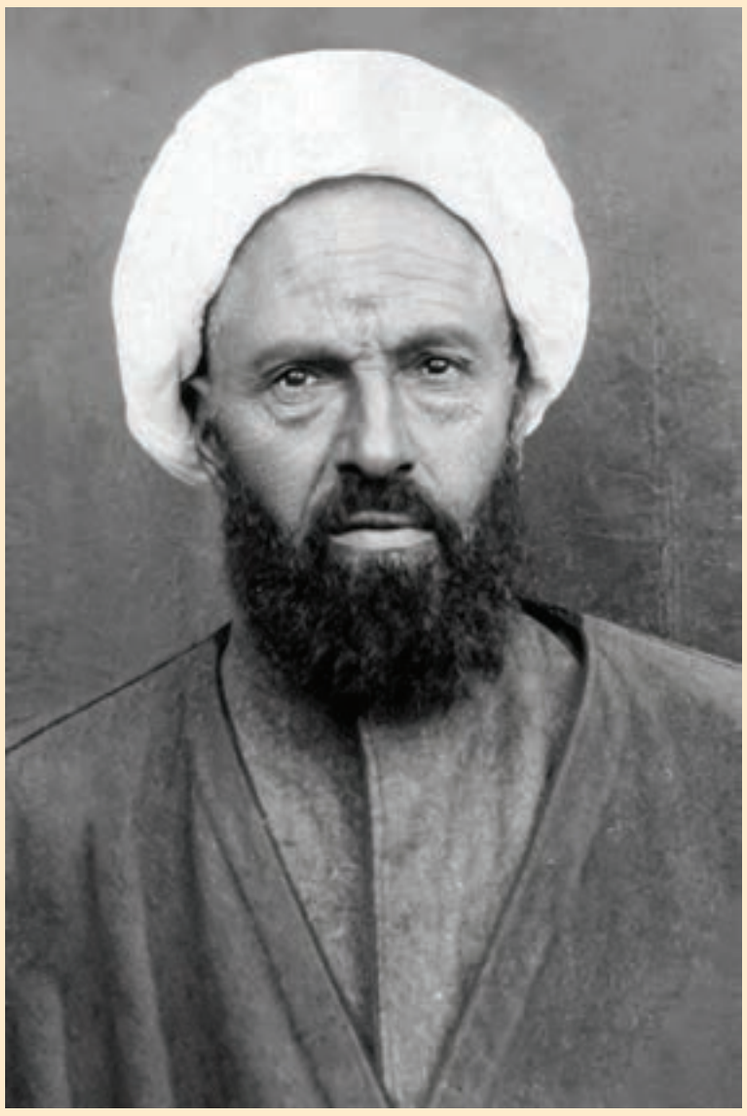

همسایگی دوباره با امام رئوف

این زندگی مخفیانه خیری برای شیخ نداشت. او مرد منبر و موعظه و تدریس بود. ثمری در این فرار نامعلوم نبود. علمای تهران را که از حبس آزاد کردند، او هم دست پسرش را گرفت و رفت سمت عراق. از سال ۱۳۱۸ پای شیخ مهدی به نجف اشرف باز شد. پسرش محمد مشغول به آموزش علوم دینی در حوزه علمیه نجف شد و خودش در مسجد هندی این شهر منبر می‌رفت. از ۱۲ ماه سال، بیست روز از تابستان را می‌رفتند سامرا و هرسال از موعد عرفه تا پایان ماه صفر در کربلا بودند. هفته‌هایی که در کربلا می‌گذشت، شیخ توفیق داشت در صحن حرم امام حسین (ع) و منزل علمای برجسته شهر سخنرانی کند. مابقی سال در نجف می‌گذشت. خطابه‌های او در نجف، پامنبری‌های گران سنگی داشت. از آخوند خراسانی تا سید ابوالحسن اصفهانی، شخصا می‌نشستند پای صحبت‌های او. دست آخر، وقتی خبر رسید رضاشاه از قدرت خلع شده، به پیشنهاد سید ابوالحسن اصفهانی برگشت ایران و دوباره همسایه امام رضا (ع) شد. حالا دیگر شهر سال‌ها بود که کمی آرام گرفته بود. رضاشاه رفته بود. شیخ مهدی واعظ بار دیگر از منبر مسجد گوهرشاد بالا می‌رفت و همچنان محبوبیت گذشته‌اش را داشت. مردم او و حافظه مثال‌زدنی‌اش را هنوز به خاطر داشتند. آن قدر که وقتی رضاخان از مسند قدرت دستور داده بود کتب حدیثی را حذف کنند، مردم مشهد با نیشخندی گفته بودند: باکی نیست! ما امثال حاجی محقق و حاج شیخ مهدی واعظ را داریم!

منابع: مرکز بررسی اسناد تاریخی / روزنامه شهرآرا / روزنامه همشهری

پسر کو ندارد نشان از پدر

محمد واعظ‌زاده خراسانی فرزند واعظ‌زاده بزرگ در سال ۱۳۰۴ در مشهد به دنیا آمد. این عالم فقید که سال ۱۳۹۵ بدرود حیات گفت از استادان مطرح دانشگاه فردوسی مشهد و مؤسس دانشگاه مذاهب اسلامی و نخستین دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود. مرحوم واعظ‌زاده آثار متعددی دارد که بخشی از آن‌ها تألیف، بخشی تصحیح و بخشی نیز مقالاتی است که در مجلات منتشر شده است. تقریب مذاهب از نظر این عالم فقید، مطلوبیتی ذاتی دارد و مقدمه وحدت اسلامی است. به باور او وحدت اسلامی یا به تعبیر قرآن، وحدت امت اسلام، یکی از ارکان اسلام است که اساس آن را رسول اکرم (ص) بنا نهاده و در قرآن نیز تأکید شده است که مسلمانان یک امت در برابر امت‌ها و ملت‌های دیگر هستند.

زنده‌یاد آیت‌ا... محمد واعظ‌زاده خراسانی، در حال سخنرانی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (ع)

کوچه

کوزه طلایی پر از زهر!

غلامرضا بنی‌اسدی — روزنامه نگار

گرفتاریم. بسیار گرفتار خصلتی که با ظاهری زیبا، درونی زشت و بسیار زشت دارد. به کوزه طلایی می‌ماند که مالامال از سمی کشنده است. این بیماری هم در روابط جمعی ما بروز می‌کند و هم در روابط اجتماعی شیوعی فراتر از کرونا دارد. برخی اما نه به ذاتِ پلید که به رویه حریری این کنش می‌نگرند و التزام به آن را برای بالاتر رفتن از نردبان موقعیت، لازم می‌شمارند. به تزویر و ریا گرفتار می‌شوند که آسیب آن فراتر از خودشان، یک جامعه را دربر می‌گیرد. این خصلتِ شیطانی، شبکه‌ای از دیگر صفات رذیله را هم با خود به همراه می‌آورد. خودخواهی پنهان و تملق آشکار و دست‌اندازی به نابایسته‌ها و تخلق به ناشایسته‌ها و... به صف می‌شوند تا جامعه را ناامن کنند. ویکی فقه به تعبیری شفاف آن را چنین تعریف می‌کند؛ «ریا یکی از فرومایگی‌های اخلاقی است و در اسلام به استفاده ابزاری از دین و اعمال دینی برای رسیدن به مقاصد دنیوی گفته می‌شود. فرد ریاکار تلاش می‌کند با به رخ کشیدن کار خود، مورد تشویق دیگران قرار گیرد و با تشویق نابجا نیز در دل آن‌ها راه باز کند.» تجربه زیستِ اجتماعی و سیاسی به ما می‌گوید کم هم موفق نبوده‌اند اربابِ تملق و ریا. کم راهزن موفقیت‌های ملی نشده‌اند کسانی که ریاکاری را کار اول خود برگزیده‌اند. مصداقِ این‌ها را در ضرب‌المثلِ معروفی می‌توان نشان داد که می‌گوید آن‌ها که با ریش تیغ می‌زنند هزاربار بدترند از کسانی که با تیغ، ریش می‌زنند. گروه دوم، احتیاط واجبی شخصی را فرو می‌گذارند اما گروه اول به حرام‌های بین‌شرعی، تیشه به ریشه ایمان عمومی می‌زنند. مطالعه در وضعیت اجتماعی ما و رفتارخوانی هوشمندانه می‌گوید لشکر تزویر و ریا چنان به باور ما حمله کرده است که طاعون در برابرش کم می‌آورد. آثار این حمله شیطانی را در سوی دیگر ماجرا می‌بینیم که منحنی ایمانی نسل نو رو به کاهش گذاشته است. آن‌ها می‌نگرند و می‌بینند دورویان هستند که به درو کردن توفیقات مادی در مزرعه دنیا می‌پردازند. تزویرگران‌اند که کالای نداشته خود را با بالاترین قیمت می‌فروشند. ریاکاران‌اند که در برابر برخی چشم‌های به غفلت دچار شده تراز شمرده می‌شوند و دیگران را هم با ترازوی آن‌ها می‌سنجند. تا این سنگِ نادرست در ترازو باشد، کفه دیگر، وزن و عیاری درست تحویل نخواهد داد. آنچه گاه در ماجرای گزینش‌ها می‌دیدیم و می‌شنیدیم از این جنس است. سنجش همگان به سنگی که افرادی چنان در ترازو گذاشته‌اند. فکر می‌کنم دینی‌ترین، ملی‌ترین و انقلابی‌ترین اقدامی که باید عمومیت پیدا کند، شوریدن بر ریا و تزویر است. همت کردن برای شستن این غبار بیماری‌زا از چهره جامعه است. باید شفافیت و صداقت و اصالت را چنان بازار دهیم که ریا و تزویر، جایی برای عرضه نیابد. باید زادن راستی و درستی رو به افزایش بگذارد که ناراستی و نادرستی به مرگ افتد. زندگی متعالی اجتماعی چنین نهضتی را می‌طلبد.

عکس روز

سنجاب برنده!

برندگان نهایی مسابقه عکاسی کمدی حیات‌وحش ۲۰۲۴ به تازگی مشخص شده‌اند. در میان تصاویر منتخب شاهد ژست‌های جالبی از حیوانات هستیم! که می‌توانید با اسکن کد، عکس‌های منتخب را مشاهده کنید.

اما عکس برنده‌ای که شاهدش هستید متعلق به «میلکو مارکتی» (Milko Marchetti) از ایتالیاست. عکس او سنجاب بازیگوشی را نشان می‌دهد که از روی کنجکاوی سر خود را داخل لانه قدیمی دارکوب کرده است. این عکس در شهرستان بانیاکاوالو (Bagnacavallo) ایتالیا ثبت شده است.